گذری بر
تربیت فرزندان در اسلام

مؤلف:

یوسف محمدالحسن

مترجم:

عبدالله دارابی

عنوان کتاب: گذری بر تربیت فرزندان در اسلام

مؤلف: یوسف محمد الحسن

مترجم: عبدالله دارابی

موضوع: آداب و رسوم اسلامی - آداب و تربیت (دعوت، گفتگو، زندگی...)

نوبت انتشار: اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار: آبان (عقرب) ١٣٩٤شمسی، ١٤٣٦ هجری

منبع:

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

بسم الله الرحمن الرحیم

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبۡ لَنَا مِنۡ أَزۡوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعۡيُنٖ وَٱجۡعَلۡنَا لِلۡمُتَّقِينَ إِمَامًا ٧٤﴾ [الفرقان:۷۴].

«مؤمنان کسانیند که می‌گویند: پروردگارا! همسران و فرزندانی به ما عطا فرما که باعث روشنی چشمان‌مان گردند و ما را پیشوا و قدوۀ پرهیزگاران بگردان».

و می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ عَلَيۡهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ ٦﴾ [التحریم:۶].

«ای مؤمنان! خود و خانوادۀ خویش را از آتش دوزخی برحذر دارید که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است فرشتگانی بر آن مأمورند که خشن و بسیار سخت‌گیر و زورمند هستند و در آنچه به آسمان‌ها دستور داده می‌شود نافرمانی نمی‌کنند و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمورند».

از ابوهریره س نیز روایت شده است که: پیامبر خدا ج فرمودند: (هرگاه که انسان مُرد پروندۀ اعمالش بسته می‌شود. مگر سه چیز نباشد: صدقۀ جاریه مانند ساختن مسجد، جاده و غیره، علمی‌که دارای نفع و فایده باشد و نفع آن به دیگران برسد و فرزند صالحی‌که برای ایشان دعای خیر کند)[۱].

۱- به روایت مسلم.

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين وعلى آله وأصحابه أجمعين!

بسیار بر سر زبان مردم جاریست و گفته می‌شود که فلان دولت، دولتی قوی و نیرومند است و فلان امت، امتی توانا و دارای مقامی والاست و کسی فکر نمی‌کنند که با چنین دولتی به علت توان و قدرت فوق‌العاده‌اش بجنگند.

یکی از پشتوانه‌های این نیروها، قدرت اقتصادی، نظامی، علمی و فرهنگی می‌باشد و از همهٔ این‌ها مهم‌تر، قوت و نیروی بشری است؛ زیرا نیرو و قدرت بشری، اساسی است که نیروهای دیگر مبتنی بر آن هستند. اسلحه هر چند پیشرفته و متنوع باشد تا وقتی که کسی نباشد آن را به کار ببرد و از آن استفاده کند، نفعی ندارد. اموال و دارایی‌ها نیز هر چند زیاد باشد، اگر کسی نباشد که آن را به کار بیندازد و آن را در جهت‌های صحیح و درست بکار ببرد بدون فایده می‌باشد مادام از این جهت می‌بینیم که امت‌های دیگر به آماده کردن افراد و رشد و پرورش دادن فرزندان و آماده کردن امکانات آن‌ها اهتمام خاصی داده‌اند تا برای مردم و وطن‌شان خدمت‌گزارانی باشند و بدان‌ها خدمت کنند.

شایسته است مسلمانآن‌هم به تربیت افراد و فرزندان خود اهتمام ورزند و بدان‌ها توجه کنند تا به آن درجه از خیریّت و خوب بودن برسند که امت اول محمد ﷺ رسیدند: خوب بودنی‌که خداوند آن‌ها را وصف می‌فرماید به

اینکه: ﴿خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰].

«شما خوب‌ترین امتی بودید که به سود مردم آفریده شدید از آن جهت که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید».

بعضی خوب بودن‌شان به خاطر اعمال‌شان و انجام کار دعوت و دستور به معروف دادن و نهی از منکر کردن است نه چیز دیگر و لازم است مسلمانان خودشان را از این گودال و سقوطی‌که به آن دچار شدند و شأن و منزلت خود را گم کردند بیرون آمده و بیدار شوند تا حال و وضعیت آن‌ها نیز مانند سایر امت‌های دیگر نشود. همان‌طور که رسول‌الله ﷺ از آن خبر داده و فرموده است. (نزدیک است که امت‌های دیگر بر شما حمله کنند همان‌طور که خورندگان بر خوراک حمله می‌کنند. فردی از آن میان گفت: آیا از کم بودن تعداد ماست؟ فرمود: بلکه تعداد شما زیاد است ولکن خس و خاشاک و آشغال هستید. مانند خس و خاشاک بالای آب و خداوند، ترس و هیبت شما را از دل دشمنان‌تان بیرون می‌آورد و خداوند در دل‌هایتان وهن قرار می‌دهد. یکی گفت: یا رسول‌الله! وهن چیست؟ پیامبر ﷺ فرمودند: حب و دوستی دنیا و کریه و ناپسند دانستن مرگ و یا از مرگ بیزار بودن و به دنیا چسبیدن)[1].

موضوع این کتاب نیز گامی است که بدین منظور برداشته شده است.

۱- ناصرالدین الألبانی، سلسلة الأحادیث الصحیحة، ج ۲، حدیث ۹۵۸.

اهمیت خانواده در اسلام

خانواده چه در جامعه‌های اسلامی و یا غیر اسلامی در تربیت و پرورش دادن نقش زیادی دارد، زیرا اولین مکان و پرورش‌گاهی است که طفل در آن‌جا رشد می‌کند و پرورش می‌یابد و از افراد آن خانواده متأثر می‌شود. در نتیجه خطرناک‌ترین و مهم‌ترین مرحلۀ تربیت بچه، سال‌های اول زندگی او یعنی سال‌های قبل از مدرسه رفتن است؛ زیرا آنچه در این سن در دل بچه کاشته می‌شود بسیار عمیق و ریشه‌دار است. به طوری‌که هرگز کسی نمی‌تواند آن را از بین ببرد و یا تغییر دهد.

از این‌جاست که خانواده در ساختن جامعه نقش بزرگی ایفا می‌کند؛ زیرا سنگ اساس و زیربنای ساختن جامعه است و اولین دانش‌گاه و یا پرورش‌گاهی است که افراد را تربیت می‌کند و پرورش می‌دهد و آن‌ها را فارغ‌التحصیل می‌نماید. دشمنان اسلام در این مسألۀ بسیار حساس، کوتاهی نکرده‌اند و برای نابودی خانواده و ویران کردن آن تمام سعی و تلاش و امکانات خود را به کار گرفته‌اند. نمونه‌های زیر از جمله روش‌هایی است که برای به تحقق رساندن برنامه‌هایشان به کار برده‌اند:

۱- زن مسلمان را فساد کردن و دعوت آن‌ها به شانه خالی کردن از مسئولیت تربیت و پرورش و آماده کردن نسل آینده و بی‌توجهی به آنان یا وظیفۀ خود را فراموش نمودن.

۲- فاسد کردن نسل و سعی در جهت فاسد بارآوردن آن‌ها؛ به طوری‌که آن‌ها را چنان تربیت کنند که دور از آغوش و دامان خانواده و پدر و مادر باشند تا آسان‌تر بتوانند آن‌ها را فاسد کنند.

۳- فاسد کردن جامعه از طریق انتشار فساد و فراگیر شدن فساد در میان مردم، یعنی آنچه که افراد، خانواده و جامعه را به تمامی و کاملاً ویران کرده و از بین می‌برد.

علمای مسلمان در قرون گذشته برای تربیت اهمیت فوق‌العاده قایل بوده و بدان بسیار اهمیت داده‌اند. از جمله کسانی‌که از وظیفۀ والدین در برابر فرزندان‌شان سخن گفته‌اند ابوحامد الغزالی می‌باشد که فرمودند: بدان‌که بچه امانتی است در نزد والدین و قلب پاکش جوهری ساده و پاک است و از هرگونه نقشی و صورتی خالیست و پذیرایی هرگونه نقشی می‌باشد و به هر جهت رانده شود تمایل پیدا می‌کند. اگر خیر و خوبی را به او یاد دهند به آن عادت می‌کند و پدر و مادرش در هر دو دنیا سعادتمند می‌شوند و هر انسانی می‌تواند معلم و مربی او باشد و اگر شر و بدی به او یاد داده شود بدان خوی می‌گیرد و عادت می‌کند و اگر مانند بهائم و حیوانات رها شود بدبخت و نابود می‌شود در نتیجه گناهش بر گردن ولی و پدر و مادر می‌باشد. پس واجب است که آن را نگهداری کنند و ادب نمایند و اخلاق خوب و شایسته را به او تعلیم دهند و او را از رفقای سوء و بد حفظ کنند و خوش‌گذرانی و تنعم را جز عادتش نکنند و اسباب رفاه و خوش‌گذرانی را در نزدش محبوب نگردانند؛ زیرا وقتی که بزرگ شد عمر شریفش در به دست آوردن آن‌ها ضایع می‌شود[۱].

۱- تربية الأطفال في رحاب الإسلام في البيت والروضة، ص ۴۱.

هدف از تربیت نوجوان در اسلام

بسیاری از نویسندگان و محققان دربارۀ این مسأله سخن گفته‌اند و در این مجال سخنان مفصل و مفیدی ذکر کرده‌اند. اما قول و گفتار آن‌ها را می‌شود این‌گونه خلاصه کرد: «واضح و روشن است که هدف از تربیت فرد در اسلام یک هدف واضح و محدود است و آن‌هم، فرد را خداپرست بارآوردن و او را برای عبادت و پرستش خداوند تبارک و تعالی آماده کردن است.

در این‌جا از حرف و سخن بی‌نیازیم؛ زیرا دین اسلام دارای ویژگی شمولیت می‌باشد و عبادت را در نماز و روزه و حج خلاصه نکرده است، بلکه هر کاری‌که مسلمان انجام دهد و قصد تقرب به خدا را داشته باشد و هدفش رضایت خداوند باشد، عبادت محسوب می‌شود[1].

۱- المؤثرات السلبية في تربية الطفل المسلم وطرق علاجها، ص ۷۶.

اهتمام دادن به بچه قبل از به دنیا آمدن

اهتمام دادن به بچه قبل از به دنیا آمدن و مرحلۀ قبل از ولادتش شروع می‌شود و آن‌هم با انتخاب زن صالحه می‌باشد. زیرا رسول الله ﷺ که ناصح و معلم هر مسلمانی می‌باشد، به کسی‌که ازدواج می‌کند، می‌فرماید: «فاظفر بذات الدين تربت يداك»[1]. «زنی را انتخاب کن که دیندار باشد در نتیجه خوشبخت می‌شوی».

زن نیز باید شوهری مناسب برای خود انتخاب کند که دارای دین و اخلاق خوب باشد؛ زیرا پیامبر خدا ﷺ، اولیای دختران را متوجه این مسأله مهم می‌کند و می‌فرماید: «إذا جاءكم من ترضون دينه وخلقه فزوجوه، إلا تفعلوا تكن فتنة في الأرض وفساد عريض»[2]. «وقتی که کسی نزد شما برای خواست‌گاری آمد و از دین و اخلاقش راضی بودید او را رد نکنید و دختر را به ازدواجش درآورید و اگر چنین کاری را نکنید فتنه و فساد در زمین برپا می‌شود».

در توجه کردن به بچه قبل از ولادت، باید به پیامبر ﷺ اقتدا کرد که به ما دستور داده و می‌فرماید: اگر یکی از شما با زنش نزدیکی کرد این دعا را بخواند و بگوید: «بسم‌الله، اللّٰهُمَّ جنبنا الشيطان وجنب الشيطان ما رزقتنا، فإنه إن قدر بينهما ولد لم يضره شيطان»[3]. «خداوندا! شیطان را از ما و از آنچه

۱- به روایت مسلم، بخاری و...

۲- به روایت ترمذی.

۳- به روایت مسلم، بخاری و اصحاب سنن.

رزق و روزی ما گردانیدی دور گردان! اگر تقدیر الهی چنین باشد که بچه‌دار شوند شیطان به آن بچه ضرری نمی‌رساند».

توجه به بچه در دوران جنینی

انسان مسلمان از عظمت این دین تعجب می‌کند؛ زیرا واقعاً دین رحمت و نیکوکاری و دل‌سوزی است. همچنان‌که به بچه قبل از خلقتش توجه خاصی داشت، در زمان جنینی و وقتی که در شکم مادر است نیز توجه می‌کند و برای او ارزش قایل است. مثلاً به مادر اجازه داده که در ماه رمضان به خاطر جنین روزه‌دار نباشد. پیامبر فرمودند: «إن الله وضع عن المسافر شطر الصلاة والصوم عن المسافر والمرضع والحبلى»[1]. «خداوند نماز را برای مسافر کوتاه کرده و افطار کردن را برای مسافر و زن شیردهنده و حامله جایز دانسته است».

لازم است مادر برای جنینی‌که در شکمش است دعای خیر کند و از خداوند بخواهد که فرزند صالحی باشد و برای والدین و تمام مسلمانان نافع باشد. البته از جمله دعاهای مستجاب، دعای والدین برای فرزند است.

۱- به روایت ابوداود، ترمذی، و نسایی. ناصرالدین الالبانی اسناد آن را خوب دانسته است.

توجه کردن به فرزند بعد از ولادت

سنت است بعد از ولادت فرزند، پدر یا ولی یا کسانی‌که در اطراف او هستند امور زیر را انجام دهند.

۱- بشارت دادن و تبریک گفتن در وقت ولادت بچه

وقتی که بچه متولد شد به خویشان و نزدیکان و دوستان بشارت دهند. و از این طریق سرور و شادی را برای آن‌ها به ارمغان بیاورند. خداوند تبارک و تعالی در قرآن در داستان ابراهیم با فرشتگان می‌فرماید: ﴿وَٱمۡرَأَتُهُۥ قَآئِمَةٞ فَضَحِكَتۡ فَبَشَّرۡنَٰهَا بِإِسۡحَٰقَ وَمِن وَرَآءِ إِسۡحَٰقَ يَعۡقُوبَ ٧١﴾ [هود:۷۱].

«همسر ابراهیم در حالی‌که ایستاده بود خندید ما بدو تولد اسحاق و به دنبال وی تولد یعقوب را مژده دادیم».

و داستان زکریا÷ فرموده‌اند: ﴿فَنَادَتۡهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٞ يُصَلِّي فِي ٱلۡمِحۡرَابِ أَنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحۡيَىٰ﴾ [آل عمران:۳۹].

«زکریا در حالی‌که در محراب ایستاده بود نماز می‌خواند فرشتگان او را صدا زدند که خداوند به تو مژده یحیی داد».

اما دربارۀ تبریک گفتن عبارت خاصی از رسول‌الله ج وارد نشده است مگر آنچه که عایشه ام‌المؤمنین ل بیان کرده که فرمودند: (بچه‌ها را نزد پیامبر ج می‌آوردند برای آن‌ها دعای خیر می‌کرد و آن‌ها را تحنیک می‌کرد)[1] و از ابوبکربن المنذر روایت شده که فرمودند: «از حسن بصری

۱- به روایت مسلم و ابوداود.

روایت شده است که مردی نزد او آمد و مرد دیگری نزد او بود که تازه بچه‌دار شده بود، به او گفت تبریک می‌گویم که بچهٔ شما اسب‌سوار است. امام حسن گفت: تو از کجا می‌دانی که اسب‌سوار است یا خرسوار؟ آن مرد گفت چس چه بگویم. امام گفت: بگو موهوب شما مبارک باشد و شکر واهب یا بخشنده راه به جای بیاور و خداوند رزق و روزی خوبی به تو عطا کند عُمر خودش را سپری کند)[۱].

۲- اذان گفتن در گوش نوزاد

ابورافع رضی الله عنه گفت: رسول‌الله ﷺ را دیدم که در هنگام به دنیا آمدن حضرت حسن بن علی در گوش حسن اذان گفت[۲].

شاید حکمت این کار این باشد که اذان که متضمن عظمت خدا و شهادتین است، اولین صدایی باشد که به گوش نوزاد می‌خورد. اذان در دور کردن و راندن شیطان تأثیر زیادی دارد (والله اعلم)؛ زیرا شیطان بسیار تمایل دارد که این نوزاد را اذیت کند و مصداق این حدیث است که رسول‌الله ﷺ فرمودند: «إذا نودي الصلاة أدبر الشيطان له ضراط حتى لا يسمع التأذين»[۳]. «هرگاه برای نماز ندا زده شود شیطان پشت می‌کند تا اذان را نشنود».

۳- تحنیک کردن «دهان نوزاد را باز کردن و شیرین کردن»

از سنت‌های لازم برای نوزاد، سنت تحنیک می‌باشد و آن عبارت است از نرم کردن و یا جویدن خرما به روشی خاص و دهان نوزاد را شیرین کردن و

۱- تحفة الودود في أحكام المولود، ابن القيم الجوزية.

۲- به روایت ابوداود و ترمذی.

۳- به روایت ابوداود و ترمذی.

یا به وسیله هر چیز دیگر که شیرین باشد دهان نوزاد را مالیدن. شیوهٔ کار بدین صورت است که: مقداری از خرمای نرم را روی انگشت گذاشته و انگشت را در دهان نوزاد فروکرده و آن را به طرف راست و چپ دهان او مالیده و سعی می‌کنند به صورتی نرم و آرام او را تحریک کنند تا آن شیرینی به دهان بچه برسد و اگر این کار با خرما میسر نشد با هر مادهٔ شیرین دیگر نیز درست است.

ابوموسیس فرمودند: «پسر بچه‌ام متولد شد و او را خدمت پیامبر ﷺ بردم پیامبر ﷺ نام او را ابراهیم گذاشت و با خرما تحنیک کرد و برایش دعای خیر و برکت خواند و سپس او را تحویل من داد»[۱].

پزشکان دربارهٔ تحنیک کردن بچه، مقالات و گفته‌های فراوانی دارند. یکی از آن‌ها بنام دکتر فاروق مساهل، در یکی از مقالاتش در شمارهٔ ۵۰ مجلهٔ الأمه چاپ قطر می‌گوید: تحنیک، معجزهٔ پیامبران است و بشریت ۱۴ قرن است که می‌خواهد حکمت و هدف آن را بداند. دکترها به این نکته پی برده‌اند تمام بچه‌های کوچک مخصوصاً بچه‌های شیرخوار و تازه متولد شده اگر یکی از این دو کار برای‌شان پیش بیاید در معرض مرگ می‌باشند:

۱- وقتی که در اثر گرسنگی مقدار قند خون کم شود.

۲- در اثر آب و هوای سردی‌که در پیرامون آن‌هاست درجهٔ حرارت بدن‌شان پایین بیاید[۲].

۱- به روایت ابوداود و ترمذی.

۲- منهج التربیة النبویة للطفل، ص ۵۷.

۴- نام‌گذاری

یکی دیگر از حقوق نوزاد بر پدر و مادر اینست که اسم خوبی را برای نوزادشان تعیین کند؛ زیرا از ابووهب الخثعمی روایت شده که گفت، پیامبرﷺ فرمودند: «تسموا بأسماء الأنبياء وأحب الأسماء إلى الله تعالى عبدالله وعبدالرحمن وأصدقها حارث وهمام وأقبحها حرب ومرة»[۱]. «فرزندان‌تان را به اسم پیامبران اسم‌گذاری کنید و محبوب‌ترین اسم‌ها نزد خداوند عبدالله و عبدالرحمن و صادق‌ترین آن‌ها حارث و همام زشت‌ترین آن‌ها حرب و مره است».

نام‌گذاری حق پدر است و می‌تواند آن را به مادر یا جد یا جده و یا کسی دیگر بسپارد.

پیامبر خداﷺ به اسم‌های خوب تفال می‌کرد. ابن قیم در تحفه الودود به احکام المولود گفته است که پیامبر خداﷺ وقتی که در صلح حدیبیه سهیل بن عمرو را دید فرمود «سهل أمركم» کارتان آسان می‌شود و وقتی که در مسیرش به دو کوه برخورد کرد، فرمود این دو کوه چه اسم‌هایی دارند، گفتند: مخز و فاضع یعنی (خوارکننده و رسواکننده) از آن‌ها گذر کرد و میان آن‌ها نرفت[۲].

راه و روش پیامبرﷺ این‌گونه بود که اسم‌های زشت را به اسم‌های خوب تغییر می‌داد مثلاً اسم عاصیه را به جمیله و اسم اصرم را به زرعه تغییر داد.

ابوداود روایت می‌کند که پیامبر ﷺ اسم‌های عاصی و عزیز و غفله و شیطان و الحکم و غراب را تغییر داد و شهاب را به هشام تغییر داد. حرب را

۱- به روایت ابوداود و نسائی.

۲- تحفة الودود في أحكام المولود، ص ۴۱.

أسلم و المضطجع را المنبعث نامید و أرض غفره را خضره نامید و شعب الضلاله را به شعب الهدایه و بنوالزنیه را به بنوالرشده تغییر داد[۱].

۵- العقیقه

عقیقه عبارت است از گوسفندی‌که در روز هفتم ولادت بچه ذبح می‌شود. طبق حدیثی‌که سلمان بن عمار روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمودند: (همراه غلام عقیقه کنید و برایش حیوانی ذبح کنید و اذیت و آزار را از او دفع نمایید)[۲]. از حضرت عایشه رضي الله عنها روایت شده که پیامبر ﷺ فرمود: (برای پسر دو گوسفند و برای دختر یک گوسفند بکُشید)[۳].

در نتیجه عقیقه کردن برای نوزاد چه پسر باشد و یا دختر بنا بر قول راجح اهل علم، مستحب است. اما وقت ذبح کردن و کشتن گوسفند، روز هفتم ولادت بچه می‌باشد. اگر در روز هفتم ممکن نبود در هر روزی از روزهای دیگر می‌توان آن کار را انجام داد (والله اعلم).

در میان حیوانات آنچه که برای قربانی کردن درست است، برای عقیقه هم درست می‌باشد. به شرط اینکه گوسفند از شش ماه و بُز از یک سال کم‌تر نباشند. شرایط دیگر اینکه از هرگونه عیبی سالم باشند.

۶- تراشیدن سر بچه و به اندازه موهایش صدقه دادن

این کار فایده‌های زیادی دارد؛ زیرا با برداشتن موی سر بچه موهای سرش تقویت می‌شوند. همچنین برای بینایی، بویایی و شنوایی مؤثر است و

۱- همان.

۲- به روایت بخاری.

۳- به روایت احمد و ترمذی.

آن‌ها را تقویت می‌کند فایدۀ این هم که به اندازۀ وزن موهای سرش صدقه می‌دهند، کاملاً واضح است.

از جعفر بن محمد روایت شده که فرمودند، پدر گفت: حضرت فاطمه موهای سر حسن، حسین، زینب و ام‌کلثوم را وزن کرد و به اندازۀ وزن آن‌ها صدقه داد. صدقۀ ایشان نقره بوده است[۱].

۷- ختنه کردن

ختنه کردن یعنی بریدن پوستی‌که اطراف و بالای ذَکَر را گرفته و پوستی که بالای فرج دختر بچه قرار دارد.

از ابوهریره روایت شده که گفت پیامبر ﷺ فرمودند: (پنج چیز سنت است: ۱- ختنه کردن، ۲- استحداد، ۳- کوتاه کردن سبیل ۴- گرفتن و یا چیدن ناخن ۵- گرفتن موی زیر بغل)[۲]. ختنه کردن برای مردان واجب و برای زنان سنت است (والله اعلم).

این‌ها از جمله آدابی هستند که باید پدر و یا ولی فرزند به آن‌ها توجه خاصی داشته باشد و سعی کند آن‌ها را انجام دهد. اما مردم در وقت ولادت بچه مرتکب خطاها و اشتباهاتی می‌شوند که خلاصۀ از آن‌ها را بیان می‌کنیم:

۱- **نوشتن و یا خواندن بعضی از آیات قرآن:** برای اینکه زن زودتر و یا آسان‌تر بچه را به دنیا آورد، بعضی از مسلمانان به خاطر آسان شدن کار زن و آسان متولد شدن بچه، آیه‌های معینی را می‌خوانند و یا می‌نویسند و آن‌ها را بر گردن زن آویزان می‌کنند. یا آن‌ها را می‌نویسند سپس پاک می‌کنند و یا در آب می‌گذارند و آب آن‌ها را به

۱- به روایت امام مالک در الموطأ.

۲- به روایت بخاری، مسلم و اصحاب سنن.

زن می‌دهند تا بنوشد و یا آب را روی شکم و فرج زن می‌پاشند. تمام این‌ها خرافات و باطل به شمار می‌آیند و هیچ حدیثی در این مورد از رسول‌الله ﷺ وارد نشده است.

در این‌گونه اوقات سخت و دشوار راه چارهٔ زن اینست که به خداوند پناه ببرد و از خدا بخواهد که دردش را کاهش بدهد و مشکلش را برطرف کند و این بدان معنی نیست که دعا شرعیت ندارد، بلکه رُقیه‌های شرعی بدون اشکال است.

۲- **مژده دادن و خوشحال شدن به مذکر:** این هم از عادات جاهلیت است که اسلام با آن‌ها مخالفت کرده است؛ زیرا خداوند وصف چنین انسان‌هایی را این‌گونه بیان می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِٱلۡأُنثَىٰ ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٞ ٥٨ يَتَوَٰرَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓۚ أَيُمۡسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ أَمۡ يَدُسُّهُۥ فِي ٱلتُّرَابِۗ أَلَا سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ٥٩﴾ [النحل:۵۸-۵۹].

«هنگامی‌که به یکی از آن‌ها مژدهٔ تولد دختر داده می‌شد صورتش سیاه می‌گردید و مملو از خشم و غم و اندوه می‌شد و خودش را از قوم و قبیله پنهان می‌کرد که آیا این ننگ را بپذیرد و یا او را زنده به گور کند. هان چه قضاوت و داوری بدی‌که می‌کردند».

بعضی از افراد نادان در این باره مبالغه می‌کنند و از همسرشان خشمگین می‌شوند که چرا دختر به دنیا آورده است. تا جایی‌که حتی کار به طلاق هم می‌کشد. کاش این نادان می‌فهمید که اول و آخر کار در دست خداست چنانکه در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ

إِنَٰثٗا وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ ﴿٤٩﴾ أَوۡ يُزَوِّجُهُمۡ ذُكۡرَانٗا وَإِنَٰثٗاۖ وَيَجۡعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيمًاۚ﴾ [الشوری:۴۸-۵۰].

«هرچه بخواهد می‌آفریند به هرکس که بخواهد دخترانی می‌بخشد و به هرکس که بخواهد پسرانی عطا می‌کند و یا اینکه هم پسران و هم دختران عطا می‌کند و خدا هرکه را بخواهد عقیم و نازا می‌گرداند».

از خداوند می‌خواهیم که همهٔ مسلمانان را هدایت کند.

۳- **فرزندان را به اسم‌های ناشایستهٔ اسم‌گذاری کردن:** مانند اسم‌هایی که دارای معنای زشت و یا اسم انسان‌های منحرف و یا مردان و زنان ترانه خوان و یا کافران مشهور. با وجود اینکه اسم‌گذاری بچه حق پدر است لذا باید اسم نیکو و خوب بر او بگذارد. یکی دیگر از خطاها و اشتباهاتی‌که والدین مرتکب می‌شوند، به تأخیر انداختن اسم بچه است به مابعد هفتهٔ اول.

۴- **ترک کردن عقیقه:** با وجود اینکه می‌توان این کار را انجام دهد؛ زیرا عقیقه از سنت پیامبر ﷺ است و از سنت ایشان پیروی کردن مایه خیر و برکت است.

۵- **ملتزم نبودن به تعداد ذبیحه و یا گوسفندانی‌که سر بریده می‌شوند:** بعضی از مردم هستند که حدود ۲۰ حیوان ذبح می‌کنند و تمام کسانی را که می‌شناسد دعوت می‌کند. چنین عقیقه غیر شرعی می‌باشد و بعضی دیگر تعداد آن‌ها را کم می‌کنند. مثلاً برای پسربچه یک حیوان می‌کُشند و این هم باز مخالف شرع می‌باشد. پس لازم است که بدون کم و زیاد کردن میزان مشخص شده، ملتزم به سنت و راه و روش پیامبر ﷺ باشیم.

۶- **به تأخیر انداختن ختنه تا وقتی که فرزند بالغ شود:** این امر نزد بعضی از مردم و قبایل مرسوم است. مثلاً کمی قبل از ازدواج به یک روش وحشیانه جلو مردم او را ختنه می‌کنند[۱].

این‌ها بعضی از خطاها و اشتباهاتی هستند که بسیاری از مردم مرتکب آن‌ها می‌شوند. و از آنجایی‌که مطالبی را در مورد آداب و سنت‌های وارده در وقت ولادت بچه بیان کردیم، دیگر نیازی به تکرار دوبارۀ آن‌ها نیست؛ زیرا آنچه مخالف این آداب و سنت‌ها باشد از اشتباهات و خطاهای غیر شرعی است که باید از آن‌ها پرهیز و دوری کرد[۲].

۱- اقتباس از: آداب استقبال المولود في الإسلام، تألیف استاد یوسف بن عبدالله العریفی و منابع دیگر.

۲- عایشه عبدالرحمان الجلال، المؤثرات السلبية في تربية الطفل المسلم وطرق علاجها.

توجه به بچه در شش سال اول زندگی

اولین مرحلۀ حیات بچه، یعنی شش سال اول زندگی او از خطرناک‌ترین و مهم‌ترین مراحل می‌باشد؛ زیرا در ساختار وجود بچه و شخصیتش بسیار تأثیر دارد. در این سن و سال هرچه در ذهن بچه رسوخ کند آثارش به وضوح و آشکار در دوران رشد و نمو و خصوصاً وقتی که به سن بزرگ‌سالی می‌رسد ظهور می‌کند. لذا مربیان و والدین باید در این سن بسیار به بچه اهتمام بورزند. آنچه واجب است که والدین در این مرحله رعایت کنند و مدنظر داشته باشد عبارتند از:

۱- مهر و محبت کردن به طفل از جانب والدین خصوصاً مادر. این نکته واجب و ضروری است تا طفل محبت دیگران را یاد بگیرد. اگر چنین محبتی را احساس نکند، یک بچه خودپسند بار می‌آید و به نسبت دیگران بی‌محبت و بی‌توجه می‌شود.

مادر مسلمان باید نیاز بچه را درک کند و هیچ چیز او را از اینکه به بچه‌اش مهر و محبت به خرج دهد، منع نکند و سرپرستی او را به خوبی رعایت کند؛ زیرا اگر از این نکته کوتاهی کند تمام وجود بچه را نابود کرده و به فساد کشانده است. مهر و محبتی‌که خداوند با حکمت و رحمت خودش در دل مادر نهاده به حالت ناگهانی منفجر می‌شود و نیاز بچه‌اش را برطرف می‌کند و جواب‌گوی نیازهای اوست[۱].

۱- محمد قطب، منهج التربية الإسلامية، ج ۲.

پس مادر باید در مورد این کار بسیار کوشا و حساس باشد و هیچ چیزی اعم از کار خارج از منزل یا اختلافات با شوهر و یا...، او را از این کار باز ندارد.

۲- بچه را خصوصاً در ماه‌های اول زندگیش به انضباط عادت دهد. به نظر می‌آید که این کار سخت و غیرممکن نباشد؛ زیرا به اثبات رسیده که عادت دادن بچه به شیرخوردن یا قضاء حاجت در وقت مشخص و معلوم در صورت تکرار، امری ممکن و شدنی است. به طوری‌که جسم بر این کار عادت می‌کند و منضبط می‌شود. این انضباط و منظم بودن هم‌زمان با رشد طفل، رشد می‌کند تا قدرت محکم‌کاری در نیازها و خواسته‌هایش را در آینده پیدا می‌کند.

۳- پدر و مادر برای فرزندشان الگوی نیکو و قدوه باشند و در تمام راه و روش عمومی خود و به ویژه برخورد با فرزندشان ملتزم به منهج اسلام باشند و آداب اسلامی را کاملاً رعایت کنند و گمان نبرند که این طفل کوچک است و به اطرافش توجه نمی‌کند و درک و شعور ندارد و ناخودآگاه در جلو بچه مرتکب انواع خطاها و اشتباهات شوند. این کارها در روان بچه تأثیر بسزایی دارد؛ چرا که توانایی و قدرت بچه در جمع کردن و برداشت کردن چیزی با آگاهی و یا بدون آگاهی بسیار بزرگ‌تر از آنست که ما عادتاً بدان می‌نگریم. ما به بچه با دیدی نگاه می‌کنیم‌که گویی موجود کوچکی است که درک نمی‌کند و آگاهی ندارد. این مطلب درست است حتی تمام چیزهایی را که می‌بیند درک نمی‌کند اما از آن‌ها متأثر می‌شود.

بچه دو دستگاه بسیار حساس در وجودش نهفته است: دستگاه گیرنده و جمع کردن و دستگاه بازگو کردن و حکایت کردن. بعضی اوقات حفظ کردن و درک کردن کم یا زیاد به تأخیر انداخته می‌شود و این بدان معنی

نیست‌که چیزی تغییر پیدا کند. بچه دریافت می‌کند و یافته‌های خود را جمع‌آوری می‌نماید حالا چه بدون آگاهی و درک کامل باشد و یا نباشد. از تمام چیزهایی‌که در اطرافش می‌بیند و یا می‌شنود با علم و آگاهی کامل باشد و یا نباشد کورکورانه تقلید می‌کند[1].

۴- بچه را به آداب‌های عمومی عادت دهد تا در برخوردش بدان‌ها ملتزم باشد و آن‌ها عبارتند از:

الف: به فرزندش یاد دهد که گرفتن و بخشیدن و خوردن و نوشیدن را با دست راست انجام دهد و وقتی که با دست چپ غذا خورد به یادش بیاورد و به نرمی و آرامی لقمه‌اش را به دست راستش بدهد.

ب: به فرزندش یاد بدهد که در پوشیدن، طرف راست را بر چپ مقدم نماید. یعنی وقتی که لباس و یا پیراهن و یا چیز دیگری می‌پوشد از طرف راست شروع کند و وقتی که لباسش را بیرون می‌آورد از طرف چپ بیرون آورد.

ج: او را از اینکه روی شکم بخواباند نهی کند و کاری کند که او را برطرف راست خوابیدن عادت دهد.

د: او را از پوشیدن لباس و یا شلوار کوتاه برحذر دارد تا به پوشیدن عورت عادت کند و از ظاهر کردن آن حیا کند.

۵- او ار از مکیدن انگشتان و خوردن ناخن‌هایش منع کند.

۶- او را به میانه‌روی در خوردن و نوشیدن عادت دهد و از پرخوری برحذر دارد.

۷- او را از بازی کردن با بینی خود باز دارد.

۸- او را عادت دهد که در ابتدای غذا خوردن بسم‌الله بگوید.

۱- محمد قطب، منهج التربية الإسلامية، ج ۲.

۹- او را عادت دهد که از جلو خودش غذا بخورد و به غذای دیگران دست دراز نکند.

۱۰- به دیگران و غذای آن‌ها چشم ندوزد.

۱۱- او را عادت دهد که به سرعت غذا نخورد و خوب غذاهایش را بجود.

۱۲- او را عادت دهد که هرچه موجود و حاضر است بخورد و آرزوی چیزهایی که نیست، نکند.

۱۳- او را به مسواک زدن و خصوصاً قبل و بعد از غذا و بعد از بیدار شدن از خواب، عادت دهد.

۱۴- ایثار و از خودگذشتگی در خوردن و بازی کردن را در نزد او محبوب گرداند و به او یاد دهد که احترام برادران و نزدیکان کوچک و بچه‌های همسایگان را رعایت کند.

۱۵- او را به گفتن شهادتین و تکرار روزانهٔ آن عادت دهد.

۱۶- به او یاد دهد که بعد از عطسه زدن الحمدلله بگوید و همچنان برای شخصی‌که عطسه می‌کند، دعا کند و بگوید یرحمک الله (خداوند به تو رحم کند).

۱۷- در وقت خمیازه کشیدن دهانش را ببندد، آن را بپوشاند و صدایش را بلند نکند.

۱۸- به او یاد دهد که در مقابل کار خیر دیگران تشکر و قدردانی کند. هرچند که ناچیز و کوچک باشد.

۱۹- پدر و مادرش را به اسم آن‌ها نخواند، بلکه به او بیاموزند که آن‌ها را به لفظ پدر و مادر صدا بزند.

۲۰- جلو پدر و مادر و بزرگ‌تر از خودش راه نرود و به خاطر احترام گذاشتن به آن‌ها قبل از آن‌ها داخل مکانی نشود.

۲۱- به او یاد دهند که در پیاده‌رو راه برود نه در وسط جاده.

۲۲-او را عادت دهند که کثافت و آشغال را بر سر راه‌ها نیاندازد، بلکه خار و خاشاک و آشغال را از سر راه بردارد.

۲۳- به او یاد بدهند با حالت ادب و احترام به دیگران سلام کند و بگوید: السلام علیکم و جواب سلام دیگران را بدهد.

۲۴-الفاظ صحیح و درست را به بچه تلقین کنند و به او یاد دهند که با زبان فصیح حرف بزند.

۲۵- به او یاد دهند که در کارهای مباح، از دستورات پدر و مادر و یا بزرگ‌تر از خود پیروی کند.

۲۶- عناد و لجوج بودنش را معالجه و مداوا کنند و با کمال رغبت و میل او را بر سر حق باز گردانند و اگر خودداری کرد او را مجبور کنند؛ چرا که این برای بچه از ماندن بر سر عناد و لجوجی بهتر است.

۲۷-والدین به خاطر فرمان‌برداری و دور شدنش از کارهای خلاف و ناهنجار از او تشکر کنند و چیزی‌که مورد علاقهٔ او است، به عنوان پاداش به او بدهند.

۲۸-او را از بازی کردن محروم نکنند، مادام‌که در جای امنی بازی می‌کند گرچه با شن و ماسه و یا بازی‌های دیگری باشد که لباسش کثیف شود؛ زیرا بازی کردن در چنین مرحلهٔ برای بچه ضروری است تا جسم و عقل بچه رشد کند و پرورش یابد.

۲۹-او را به بازی‌های سالم مانند فوت‌بال یا بازی با اسباب بازی‌های نظیر ماشین و یا هواپیما و امثال آن‌ها تشوق کند و او را از بازی‌هایی که دارای تصویرهای حرام است مانند تصویر انسان و یا حیوان منع کند و یا آن‌ها را در نظرش زشت جلوه دهد.

۳۰- به او یاد دهد که به مال دیگران به دیدهٔ احترام بنگرد و دستش را به مال دیگران از جمله اسباب بازی‌ها و یا خوردنی‌ها، دراز نکند. گرچه اسباب بازی برادرش باشد.

توجه به بچه بعد از شش سالگی

بچه در این مرحله استعداد یادگیریش به صورت منظم بیشتر می‌شود و توجیهات را خوب‌تر می‌پذیرد و با دوستانش در بازی کردن بهتر می‌جوشد. خلاصه، می‌توان گفت قوهٔ درک و یادگیری و به دست آوردن مهارت‌های مختلف او زیادتر می‌شود و می‌توان او را به صورت مستقیم توجیه کرد. لذا این زمان از مهم‌ترین دوره‌های تعلیم و توجیه بچه می‌باشد.

اینک به خواست خدا مهم‌ترین جوانبی‌که لازم است مربیان در این مرحله به آن دقت و توجه بیشتری داشته باشند، بیان خواهیم کرد که عبارتند از:

الف: خدا را به روش بسیاری ساده به بچه شناساندن

خداوند را به شیوهٔ که مناسب درک و شعور و سطح فکر بچه است به او شناسانده شود.

کافی است بداند که خداوند یکتا و بدون شریک است. خالق و آفرینندهٔ هر چیزی است. خداوند خالق آسمان و زمین و مردم و حیوانات و درختان و جوی‌بارها و رودخانه‌ها و خالق همه چیز است. مربی باید از فرصت استفاده کند و از بچه سئوالاتی بپرسد. مثلاً وقتی به تفریح رفته‌اند در میان یک باغ و بستان یا در یک صحرا هستند از او بپرسد که آفرینندهٔ آب و رودخانه‌ها و درختان و زمین و امثال این‌ها چه کسی می‌باشد؟ تا بچه متوجه عظمت پروردگار شود و به حقانیت قدرت او پی ببرد.

محبت و عشق و علاقه به خدا را به او یاد دهد و او را متوجه نعمت‌هایی کند که خداوند به او و امثال او و حیوانات عطا کرده است. مثلاً به او بگوید

چه کسی گوش و چشم و عقل را به تو عطا کرده است؟ چه کسی نیرو و قدرت حرکت کردن را به تو عطا کرده است؟ چه کسی به تو و خانوادهٔ تو رزق و روزی عطا کرده است؟ همچنین بر نعمت‌هایش تشویق نماید. چنین روشی در کلام خدا (قرآن) وارد شده است. مثلاً خداوند در بسیاری از آیات قرآن بندگان را متوجه نعمت‌های خود می‌کند و می‌فرماید: ﴿أَلَمۡ تَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَسۡبَغَ عَلَيۡكُمۡ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةٗ وَبَاطِنَةٗۗ﴾ [لقمان:۲۰].

«آیا نمی‌بینند که خداوند آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است برای شما مسخرّ کرده و نعمت‌های ظاهری و باطنی خود را بر شما تمام و افزون کرده است».

و در جای دیگر می‌فرمایند: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡۚ هَلۡ مِنۡ خَٰلِقٍ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ﴾ [فاطر:۳].

«ای مردم! نعمت‌های خداوند را که بر شما بخشیده و عطا کرده به یاد بیاورید. آیا غیر از خداوند آفرینندهٔ دیگری وجود دارد که در آسمان و زمین به شما روزق و روزی عطا کند؟».

و باز می‌فرماید: ﴿وَمِن رَّحۡمَتِهِۦ جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٧٣﴾ [القصص:۷۳].

«خداوند از روی لطف و رحمت خودش شب و روز را برای شما قرار داد تا در شب آرام بگیرید و تا در روز از فضل و برکت خداوند طلب کنید و شاید شکرگزاری کرده و از خداوند تشکر کنید».

ب: بعضی از احکام واضح و روشن و حلال و حرام را به طفل یا دادن

بچه باید پوشانیدن عورت و وضو و احکام طهارت و چگونگی به جا آوردن

نماز را یاد بگیرد و او را از محرمات و دروغ و سخن‌چینی و نگاه کردن به حرام‌شده‌ها باز دارد، خلاصه آنچه که به بزرگان دستور داده می‌شود که ملتزم به شرع خدا باشند به بچه هم دستور داده شود و از آنچه که بزرگان را نهی می‌کنند او را هم منع کنند تا بر این روش و اخلاق پرورش یابد و عادت کند. چون کسی‌که بر چیزی پرورش داده شود بر سر همان چیز پرورش می‌یابد. و بکوشند به او علم بیاموزند. همان‌طور که سفیان الثوری می‌فرماید: «واجب است که مرد بچه‌اش را به یادگیری علم مجبور کند؛ زیرا در این باره مسئول است و روز قیامت از او سئوال می‌شود»[۱].

ج: تلاوت قرآن را به بچه تعلیم دادن

قرآن تنها برنامۀ پا برجا و محکمی است که هیچ‌گونه باطلی از هیچ جهتی متوجه آن نمی‌گردد: یعنی هیچ‌گونه تناقض و یا کم و زیادی در آن نیست و خداوند از هر جهت او را حفظ کرده و می‌کند و تمام خیر و برکت در این است که بچه به قرائت قرآن به صورت صحیح و درست عادت کند و آن را یاد بگیرد و تمام جهد و کوشش خود را در حفظ کردن آن به کار گیرد و یا مقدار زیادی از آن را حفظ کند. والدین باید کوشش کند که فرزند خود را ـ پسر باشد یا دختر ـ به یکی از مدرسه‌های حفظ قرآن بفرستند. اگر برای‌شان ممکن نبود ایشان را به یکی از حلقه‌های حفظ قرآن بفرستند. (یعنی دوره‌هایی که چند ماهه صورت می‌گیرد) که الحمدلله چنین حلقه‌ها و دوره‌ها بسیار زیاد می‌باشند.

ابوداود از معاذبن انس روایت می‌کند که پیامبر ﷺ در این باره فرمودند: (کسی‌که قرآن بخواند و بدان عمل کند خداوند در روز قیامت تاج نورانی را بر والدین او می‌پوشاند که روشناییش از روشنایی آفتاب در خانه‌های دنیا

۱- محمدحسن موسی، نزهة الفضلاء، تهذیب سیر اعلام النبلاء، ج ۱.

نیکوتر و خوب‌تر و روشن‌تر است. پس شما چه گمانی می‌برید به کسی‌که به این عمل کند)[۱].

سلف صالح ما بر تعلیم دادن قرآن و حفظ آن به فرزندان‌شان بسیار کوشا و علاقمند بوده‌اند. یکی از آن بزرگواران شیخ یاسین بن یوسف مراکشی است که دربارۀ امام نووی می‌فرماید: او را در نوی دیدیم در حالی که ۱۰ سال داشت بچه‌ها از او انتقاد می‌کردند که با ایشان بازی نمی‌کند و از آن‌ها فرار می‌کند و گریه می‌کند؛ زیرا بچه‌ها او را مجبور می‌کردند که با آن‌ها بازی کند در چنین حالتی فرار می‌کرد و قرآن می‌خواند، می‌فرماید: محبت ایشان در دلم جای گرفت در حالی‌که پدرش ایشان را بر سر یک مغازۀ نشانده بود که خرید و فروش کند اما این کارا او را از قرآن خواندن باز نمی‌داشت، ایشان را نزد معلمش بردم و به او سفارش کردم و گفتم: امید است که داناترین و زاهدترین اهل عصر و زمانش باشد و مردم از او استفاده کنند. معلمش به من گفت: مگر شما مُنجم هستید؟ گفتم نه ولکن خداوند به من چنین الهامی کرده و مرا به چنین کلامی واداشته است و آن را برای پدر امام نووی بازگو کرد، پدرش او را تشویق کرد تا قرآن را ختم کرد در حالی‌که نزدیک سن بلوغ رسیده بود[۲].

د: حقوق والدین را به بچه تعلیم دادن

طفل باید بر احترام پدر و مادرش و پیروی کردن و از آنان نیکی کردن بدان‌ها عادت کند و با آن انس و الفت بگیرد. بسیاری از عقوق و نافرمانی کردن فرزندان در مقابل والدین، نتیجۀ کوتاهی کردن پدران است؛ زیرا در دوران کودکی از تربیت و عادت دادن‌شان در نیکی کردن کوتاهی می‌ورزند

۱- محمدبن شحاده الغول، بغیة عباد الرحمن.

۲- منهج التربیة النبویة للطفل، محمد نوربن عبدالحفیظ سوید.

و خداوند تبارک و تعالی در این باره می‌فرماید: ﴿۞وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنًاۚ إِمَّا يَبۡلُغَنَّ عِندَكَ ٱلۡكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوۡ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفّٖ وَلَا تَنۡهَرۡهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوۡلٗا كَرِيمٗا ٢٣ وَٱخۡفِضۡ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحۡمَةِ وَقُل رَّبِّ ٱرۡحَمۡهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرٗا ٢٤﴾ [الإسراء:۲۳-۲۴].

«پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید هرگاه یکی از آن دو و یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری برسند. اُف به آنان مگو و بر سر ایشان فریاد مزن و با سخنان محترمانه با آن دو سخن بگو، و بال تواضع و مهربانی را بر ایشان فرودآورد و بگو! پروردگارا بدیشان رحم کن. همان‌گونه که آنان در کوچکی مرا تربیت و بزرگ نمودند».

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت می‌کند که فرمودند: «رغم أنفه ثمّ أنفه ثم رغم أنفه من أدرک أبویه عند الکبر أحدهما أو کلاهما فلم یدخل الجنة»[۱]. (به خاک مالیده شود سپس به خاک مالیده شود و باز به خاک مالیده شود بینی کسی‌که یکی از والدینش و یا هر دو را هنگام پیری دریابد ولی حق آن‌ها را ادا نکند. پس او به بهشت داخل نمی‌شود). مراد این است که بمیرد کسی‌که حقوق والدینش را رعایت نکند مخصوصا هنگامی که آنها بزرگ‌سالند و به عنایت و پرورش بیشتر نیاز دارند.

نویسندهٔ کتاب عیون الاخبار در کتاب خود داستان جوانی را که به پدرش نیکی کرده نقل نموده و گفته است: «مأمون گفت: هیچ کسی را ندیده‌ام که به اندازهٔ فضل‌بن یحیی نسبت به پدرش مهربان و نیکوکار باشد، مشهور است که یحیی پدر فضل نمی‌توانست وضو بگیرد مگر با آب گرم. خود و پسرش هم در زندان بودند و آن‌ها را از اینکه همراه خودشان به

۱- به روایت مسلم.

داخل زندان هیزم ببرند، منع کردند فضل در شب بلند می‌شد و یک قُمقُمه (ظرف مسی) را برمی‌داشت و آن را پر از آب می‌کرد سپس آن را در نزدیکی چراغ می‌گرفت و تا صبح می‌ایستاد و آب را گرم می‌کرد و همیشه این کارش بود تا پدرش با آب وضوع بگیرد و بارها این کار را به خاطر احترام به پدرش انجام می‌داد[۱].

ه: بچه باید به الگوهای بزرگ اسلام اقتدا کند

اولین الگوی ما رسول‌الله ﷺ است پس از ایشان شخصیت‌های بزرگ اصحاب و تابعین یعنی کسانی‌که در شجاعت و بزرگواریشان در زندگی ضرب‌المثل و زبان‌زد دوست و دشمن بودند. بچه باید به آن‌ها اقتدا کند و اخبار و داستان زندگی آنان را بداند تا به کردار نیک آن‌ها تأسی و اقتدا کند و صفاتی مانند شجاعت، فداکاری، صداقت، صبر، پایداری، عزت، استقامت، سربلندی و صفات دیگر.

قصه و داستانی هم که برای بچه بازگو می‌شود باید مناسب درک و شعور او باشد و زیاد طولانی و خسته‌کننده نباشد و در آن بر جوانب و نکته‌های زیبا و جالب اشاره کند تا بچه بهتر بتواند آن را فراگیرد.

مثلاً برای اخلاق نیکو و خوب اگر قصهٔ «آن یهودی‌که برای طلب و بده‌کاریش نزد پیامبر ﷺ آمد»، بازگو شود بسیار خوب است.

روایت شده که یک نفر یهودی از پیامبر ﷺ طلب داشت و هنوز وقتش فرانرسیده بود در سر راه مدینه بر پیامبر ﷺ اعتراض کرد و گفت: شما طائفهٔ بنوعبدالمطلب قومی هستید که بدهی را نمی‌دهید و امروز و فردا می‌کند.

۱- تربية الأولاد في الإسلام، ج ۱، عبدالله ناصح علوان.

حضرت عمر در آنجا بود و منظره را نگاه می‌کرد. بسیار ناراحت و خشمگین شد و گفت: ای پیامبر خدا! اجازه بده تا گردنش را بزنم. پیامبر ﷺ فرمود: ای عمر! من و رفیقم به چیزی غیر از این نیازمندیم. شما باید به ایشان دستور دهید که تقاضای خود را خوب مطرح کند و به من دستور دهید که خوب ادا کنم. سپس پیامبر ﷺ به یهودی نگاه کرد و گفت: ای یهودی! فردا وقت پرداخت قرض تو است.

در شجاعت و مردانگی نیز باید داستانی مثل داستان عاذ بن عمرو ابوجهل را برای بچه بازگو کرد که مشهور است معاذ بن عمرو گفت: «در جنگ بدر تمام کوشش و تلاشم این بود که ابوجهل را پیدا کنم و او را بکشم. وقتی که او را دیدم به او حمله کردم و یک به ضربه او زده و پایش را از ساق جدا کردم، پسر ابوجهل یعنی عکرمه یک ضربه به من زد و دستم را قطع کرد و فقط پوست دستم مانده بود که دستم بیفتد و آن را به دنبال خود می‌کشیدم و مرا از جنگ کردن باز می‌داشت، ایستادم و جنگیدن را ادامه دادم و دستم را به دنبال خود می‌کشیدم. وقتی که دیدم که مرا آزار می‌دهد و دستم را زیر پایم نهادم و آن را قطع کردم و دور انداختم»[۱]. این نمونهٔ بارزی است در شجاعت و مردانگی و تاریخ اسلام از چنین شخصیت‌های عظیم و داستان‌های زیبا و عبرت‌انگیز پر است که صادق‌ترین تعبیری است از فضایل و معانی زیبا و پر از عبرت.

و: آداب اجتماعی را به بچه یاد دادن

مانند آداب سلام کردن و اجازه گرفتن و لباس پوشیدن و خوردن و نوشیدن و آداب حرف زدن و چگونه با دیگران برخورد کردن. بچه باید بداند که چگونه با والدین و نزدیکان و دوستان پدر و معلم و دوستان خودش و

۱- نزهة الفضلاء، تهذیب سیر أعلام النبلاء، ج ۱، محمدحسن موسی.

کسانی‌که با آن‌ها بازی می‌کند، رفتار کند و باید بداند که چگونه اتاق خود را مرتب و نظافت خانه را رعایت کند و چگونه اسباب بازی خود را جمع و چگونه با دیگران بازی کند بدون اینکه برای آن‌ها مزاحمت ایجاد کند. همچنین باید بدانند که راه و روشش در مسجد و مدرسه چگونه باشد.

در تمامی این کارها باید در درجهٔ اول از سنت پیامبر ﷺ پیروی کند و آن‌ها را از سنت پیامبر ﷺ و سیرهٔ سلف صالح و کسانی‌که در این فن (فن تربیت) کتاب نوشته‌اند و متخصص بوده‌اند، یاد بگیرد.

ز: اعتماد به نفس و احساس مسئولیت را در طفل به وجود آوردن

از آنجایی‌که بچه‌های امروز مردان و مادران فردا می‌باشند پس به ناچار باید آن‌ها را آماده کرد و بر تحمل سختی‌ها و مسئولیت‌ها و کارهایی‌که باید انجام دهند تمرین و پرورش داد تا در آینده بتوانند مسئولیت‌های خود را به نحو احسن ادا کنند. و این امر وقتی ممکن است و تحقق می‌یابد که اعتماد به نفس را در بچه ایجاد کنند و بتوانند به خود احترام نهند و به بچه فرصت دهند تا بتوانند آرا خود و آنچه را که در اطرافش می‌گذرد ظاهر کند و آن‌ها را تأویل و تعبیر نماید و بر انجام مسئولیت خود شجاع شود، بلکه باید بعضی اوقات او را بر انجام دادن کارهای خانه مکلف کرد. کارهای که در شأن اوست و از عهده‌اش برمی‌آید مانند خرید بعضی از لوازم خانه از بقالی همسایه و سبزیجات، و اگر دختر است او را ملزم کنیم که بعضی از ظرف‌های خانه را بشوید و یا کارهای برادر کوچکش را مرتب کند و به تدریج به بچه‌ها تکلیف داده شود تا کم‌کم بعضی از کارها را انجام دهند و رفته رفته تحمل مسئولیت و مشکلات و کارهای مناسب خود عادت کنند.

از جمله امور و کارهای‌که باید بچه را به انجام آن‌ها موظف کرد، تحمیل تبعات کارهایی است که انجام داده است و بداند در برابر آنچه که انجام

می‌دهد و مرتکب خطاها و اشتباهاتی می‌شود مسئول است و بداند آنچه را که خراب کرده اصلاح کند و از خطاها و اشتباهات خود عذرخواهی کند.

در این داستان که بیان‌گر اعتماد به نفس بچه است تأمل کنیم و بیندیشیم. الحافظ بن عساکر روایت می‌کند که عبدالله بن زبیر با دوستانش بازی می‌کرد، خلیفهٔ مسلمانان عمربن الخطاب از آن‌جا گذر کرد. اکثر بچه‌ها به خاطر ترس از حضرت فاروق[1] فرار کردند و فقط ابن زبیر ماند و فرار نکرد. عمر نزد او رفت و گفت: ای پسر! چرا تو هم همراه دوستانت فرار نکردی؟

عبدالله خیلی ساده و با جرأت جواب داد: ای امیرالمؤمنین! من مجرم و گناه‌کار نیستم تا فرار کنم و راه هم تنگ نیست که آن را برای شما وسیع کنم[2].

در نتیجه اگر اطفال بر اعتماد به نفس تربیت شوند می‌توانند مسئولیت‌های بزرگ را تحمل کنند. مانند فرزندان اصحاب‌که سعی و تلاش می‌کردند تا همراه مجاهدان در میدان جنگ در راه خدا، جهاد کنند. تا جایی‌که یکی از آن‌ها به خاطر اینکه پیامبر ﷺ به او اجازه نمی‌داد که همراه لشکر در میدان جنگ شرکت کند، گریه می‌کرد. پیامبر ﷺ دلش نرم شد و اجازه داد که شرکت کند تا سرانجام جزو شهدای معرکه شد و به درجهٔ رفیع شهادت رسید. پیامبر ﷺ اسامه بن زید را فرمانده و امیر لشکری می‌کند که ابوبکر و عمر از سربازانش می‌باشند. با وجود اینکه سن و سالش کم بود اما

۱- لقب حضر عمر، فاروق بوده است. یعنی جداکننده دو طرف حق و باطل از هم (مترجم).

۲- أطفال نجباء في ظل الإسلام، محمد عبدالرحيم.

دارای شایستگی چنین امارتی بود؛ پس چرا فرزندان ما امروز از این قله‌های بلند انسانیت جا مانده‌اند و درجا می‌زنند؟

توجه کردن به فرزند در مرحلهٔ نوجوانی

از این مرحله جسم بچه به سرعت رشد و نمو می‌کند و عقلانیت و شعورش در حال رشد است، عواطفش قوی می‌گردد، غریزه جنسیش بیدار می‌شود و به حرکت درمی‌آید و این مرحله مقدمهٔ برای مرحله بلوغ است[1].

مربی هم باید در برخورد خود امور زیر را رعایت و به آن‌ها توجه کند:

۱- در این مرحله نوجوان باید احساس کند که بزرگ شده است چه دختر باشد و یا پسر؛ زیرا از او خواسته می‌شود که مانند انسان‌های بزرگ برخورد کند و گمان نبرد هنوز کوچک است و اخلاق و رفتارش مانند بچه‌های کوچک نباشد.

۲- در این مرحله نوجوان باید احکام بلوغ را بداند و بعضی قصه و داستان‌ها که تقوی و دور شدن از حرام در آن‌هاست برایش روایت شود.

۳- باید برای مشارکت بعضی از کارهای خانه و تحمل مسئولیت‌های خانه تشجیع شود و عملاً وارد کار شود و احساس کند که بزرگ شده است.

۴- مربی باید بر مراقبت کردن و مشغول کردن بچه به کارهای مفید حساس باشد و او را با دوستان صالح آشنا کند.

۱- کیف نربي أطفالنا، محمود مهدی الاستانبولی.

خطاها و اشتباهات مربیان

این هم مجموعۀ از خطا و اشتباهاتی است که بسیاری از مربیان مرتکب آن‌ها می‌شوند و از خداوند تبارک و تعالی خواهانیم که ما را یاری دهد تا بتوانیم از آن‌ها اجتناب کنیم و ما را به راه درست راهنمایی کند.

۱- مخالف بودن گفتار مربی با کردارش

این امر از مهم‌ترین خطاها و اشتباهات مربی است؛ زیرا بچه از پدر و مادر چیزهای بسیاری یاد می‌گیرد پس می‌بیند که عمل‌شان مخالف گفتارشان است و آنچه به او یاد داده‌اند با عمل خودشان متناقض است. این‌گونه راه و روش اثر بد و منفی روی بچه می‌گذارد. و فرموده خداوند بس است که ما را از این‌گونه راه و روش باز دارد و می‌فرماید: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفۡعَلُونَ ۝٢ كَبُرَ مَقۡتًا عِندَ ٱللَّهِ أَن تَقُولُواْ مَا لَا تَفۡعَلُونَ ۝٣﴾ [الصف:۲-۳].

«ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی را می‌گویید که خود انجام نمی‌دهید خشم بزرگی است در نزد خدا که چیزی بگویید اما خود انجام ندهید».

چگونه راستگویی را یاد می‌گیرد بچۀ که می‌بیند پدرش دروغ می‌گوید؟ چگونه امانت‌داری را یاد می‌گیرد کسی‌که می‌بیند پدرش خیانت می‌کند و معامله‌اش پر از غش و خیانت است؟

چگونه اخلاق خوب و نیک را یاد می‌گیرد کسی‌که می‌بیند اطرافیانش فحش می‌دهند و گفتار بد می‌گویند و بداخلاقند؟ چطور چطور!!!

۲- نداشتن توافق پدر و مادر بر یک روش در تربیت

فرزند در مقابل والدین کارهایی را انجام می‌دهد و نتیجه‌اش این است که مادر او را مدح می‌کند و می‌ستاید اما پدر او را برحذر می‌دارد و می‌ترساند بچه سرگردان و متحیر می‌شود که چکار کند و کار کدام یک از آن‌ها درست و کدام یک خطاست؛ زیرا نمی‌تواند درست و نادرست را تشخیص دهد و در نتیجه سرگردان می‌شود و کارها برای او روشن نمی‌شوند در حالی‌که اگر والدین بر سر برنامه و روش یکسانی توافق داشتند و این اختلافات را برای بچه ظاهر نمی‌کردند این خلل و شکاف ایجاد نمی‌شد و به وجود نمی‌آمد.

۳- رها کردن بچه که طعمه تلویزیون شود

وسایل اطلاع رسانی تأثیر زیادی بر سر راه و روش و دست‌اوردهای بچه می‌گذارد یکی از خطرناک‌ترین این وسیله‌ها تلویزیون می‌باشد که در تمام خانه‌های امروزه موجود است و تأثیر زیادی بر بزرگ و کوچک و فرهنگی و غیر فرهنگی دارد.

یکی از محققان به اسم (بلومری) می‌گوید. غالب بچه‌ها و بسیاری از بزرگان علاقمندند که بدون سئوال و جواب تمام معلوماتی را که در فیلم‌ها ظاهر می‌شد به دست آورند و بپذیرند و یک واقعهٔ واقع شود و آن را به شیوهٔ بهتر بیان کنند و افکارشان را به این ارزش‌های پست تغذیه کنند.

جمع بسیار زیادی از مربیان با مشاهده کردن بچه‌هایشان به تلویزیون و زیاد توجه کردن بدان بی‌توجهند و کوتاهی می‌کنند با وجود اینکه این کار بر اخلاق و رفتار بچه‌ها تأثیر زیادی می‌گذارد و حتی برنامه‌هایی که برنامهٔ بچه‌ها نام‌گذاری شده پر از افکار غلطی است که بچه آن را در لابلای مشاهده کردن فیلم‌ها می‌بیند و از آن متأثر می‌شود. بسیاری از فیلم‌های کارتونی دارای داستان‌های عشقی هستند حتی در میان سگ‌ها و حیوانات

دیگر مثلاً: یک گربۀ ماده در این برنامه‌ها بر جای بلندی قرار گرفته و با پنجه‌های زیبا و چشمان سیاه زیبا و پاهای بلند خود را آراسته و خودش را متمایل می‌کند تا دل گربۀ نر را به خود جلب کند.

تأکید کردن بر اظهار کردن خودکشی‌ها به خاطر یک دختر، یا مست شدن و یا سیگار کشیدن و دزدی کردن و دروغ گفتن و امثال این‌ها از صفات غیر اسلامی و غیر اخلاقی است و ظاهر کردن چنین فیلم‌هایی بر روی پردۀ سینما و یا تلویزیون کار بسیار اشتباهی است که دنیای بچه را تحقیر می‌کند و به آن اهانت می‌شود و چنین اعمالی فطرت پاک بچه را آلوده می‌نماید و تنها حجت و برهان‌شان این است که برنامۀ مخصوص بچه‌هاست[۱]. بنا بر این لازم است که از بچه‌هایمان در مقابل این دستگاه هلاک‌کننده محافظت کنیم و اجازه ندهیم که بدان آلوده شوند. بدون شک این کار آسانی نیست ولی اگر ما بخواهیم از اخلاق فرزندان‌مان محافظت کنیم و آن‌ها را برای عمل رسالت دینی و اسلامی آماده کنیم، کار محالی هم نیست. خداوند ما را پناه دهد.

۴- مسئولیت تربیت و پرورش را به خدمت‌گزار بچه سپردن

از خطرناک‌ترین اشتباهات و خطاهایی‌که بیشتر در جامعه‌های امروز شیوع پیدا کرده، دست برداشتن مادر از وظیفه و مسئولیت اصلی او که عبارت است از: اداره کردن خانه و فرزندانش و مشغول کردن او به کارهایی‌که بدون شک ارزش‌شان از تربیت اولاد بسیار کم‌تر است، مانند: مشغول شدن به کار کردن خارج از منزل و یا زیاده‌روی در دیدار و ملاقات کردن دیگران و حضور در جشن‌واره‌ها، یا تنبلی کردن و یا اینکه خودش سرپرستی بچه‌ها را رها می‌کند و آن را به دیگران واگذار می‌کند، با وجود

۱- بصمات على ولدي، طيبة اليحيى.

اینکه اثر بزرگی در روح و روان بچه و اخلاقی‌که کسب می‌کند می‌گذارد؛ زیرا وقتی که مادر از منزل و بیرون رفت، اولین کسی‌که ضرر می‌کند بچه‌های کوچک می‌باشند چون لطف و مهربانی و عطوفت را از دست می‌دهند.

پس مادر یا آنان را به سرپرستی زن دیگری می‌سپارد و یا آنان را به پرورشگاه می‌برد، و در تمام این حالات بچه‌ها عطوفت و مهر مادری را از دست می‌دهند و این خود بر روان بچه آیندهٔ او خطر بزرگی است. زیرا در حال رشد و نمو است در حالی‌که مهربانی و عطوفت را از دست داده است و به اصطلاح عربی «فاقد الشيء لا يعطيه»، کسی‌که چیزی ندارد نمی‌تواند ببخشد و در نتیجه نسبت به افراد جامعه سنگدل می‌شود و سنگدل به بار می‌آید و از این ره‌گذر جامعه، جامعهٔ سنگدل و نابود و ضایع می‌شود؛ زیرا دیگرآن‌هم به تهذیب و پرورش فرزندان و عادت دادن آن‌ها بر اخلاق فاضله توجه نمی‌کنند و اهتمام نمی‌دهند همان‌طور که اهل خانوادهٔ خودش توجه می‌کند در نتیجه این بلا و مصیبتی است که بر بچه‌ها و جامعه هجوم می‌آورد و آن‌ها را نابود می‌کند[۱].

بعضی اوقات امکان دارد که این خدمت‌گزار، غیر مسلمان باشد و بچه ناخودآگاه انحرافاتی را از این خدمت‌گزار غیر مسلمان یاد بگیرد و یا شاید بی‌اخلاق و منحرفی باشد که بچه هم از او متأثر می‌شود. پس اگر حتماً به خدمت‌گزار نیاز داشتیم باید سعی کنیم مسلمان و پاک باشد. در وقت ضرورت کم‌تر بچه در نزدش بماند.

۱- المؤثرات السلبية في تربية الطفل المسلم وطرق علاجها، عائشه عبدالرحمن الجلال.

۵- اظهار عجز و ناتوانی کردن از تربیت بچه

اظهار عجز کردن از طرف والدین رخ می‌دهد. این امر خصوصاً در مادران است و آن‌ها بیشتر اظهار ناتوانی می‌کنند و بعضی اوقات هم پدران چنین اظهاراتی دارند مثلاً مادر می‌گوید: این بچه مرا خسته کرده و دیگر توانایی تربیتش را ندارم و نمی‌دانم با او چکار کنم. بچه این کلام مادر را می‌شنود و افتخار می‌کند؛ زیرا که مادرش را ناتوان کرده در نتیجه بیشتر این کار را ادامه می‌دهد چون می‌داند که این روش وجودش را تثبیت می‌کند و احساس وجود می‌کند.

۶- زیاده‌روی در تنبیه و تشویق

الف: تنبیه کردن: تنبیه کردن بچه یک امر مشروع است و از وسایل تربیت می‌باشد و بعضی اوقات مربی بدان نیاز دارد. اما کسانی هستند که در این مسأله بسیار زیاده‌روی می‌کنند در نتیجه باعث ضرر و زیان رسانیدن به بچه می‌شود و نتیجه معکوس می‌دهد. مثلاً می‌شنویم که پدری ساعت‌ها بچه‌اش را به خاطر خطایی‌که انجام داده است در یک اتاقی زندانی و یا بعضی از پدران وقتی که می‌بیند که فرزندان‌شان مخالف دستورات‌شان حرکت می‌کنند آن‌ها را زنجیر می‌کنند و به یک ستونی می‌بندند ... .

عقوبت و تنبیه باید به تدریج و کم‌کم باشد از یک نگاه کردن پر معنی گرفته تا زدن. بعضی اوقات مربی نیازی به بیشتر از یک نگاه کردن و یا یک کلمهٔ سرزنش‌کننده ندارد. و بعضی اوقات نیاز به زدن هم دارد و مجبور است که بچه را بزند اما این آخرین علاج و درمان است و این تنها، زمانی است که وسیله‌های دیگر را بکار گرفته باشد. ولی نتیجه‌بخش نبوده باشند. ضوابط و قواعدی برای زدن وجود دارد که مربی باید آن‌ها را به کار ببرد:

– بچه را نزند و به زدن متوسل نشود مگر اینکه وسیله‌های دیگر را بکار گرفته باشد.

– در حالت خشم و عصبانیت بچه را نزند. به خاطر ترس از اینکه مبادا به بچه آسیبی برسد و یا جایی از بدنش شکسته شود.

– به جاهای حساس بدن مانند سر و صورت و سینه نزند.

– در بارهای اول زدن، زدنش سخت و دردآور نباشد و بیشتر از سه ضربه به او نزند مگر ضرورت ایجاد کند و در وقت ضرورت هم نباید از ده ضربه تجاوز کند.

– بچه تا به سن ده سالگی نرسیده باشد او را نزند.

– اگر برای بار اول خطا کرد به او فرصت بدهد تا توبه کند و از آنچه که انجام داده عذرخواهی نماید و به او مجال بدهد تا دیگران برایش شفاعت کنند و مانع زدن شوند و از او پیمان بگیرد که بار دیگر مرتکب چنین اشتباهی نشود.

– مربی باید خودش بچه را بزند و زدن را به برادر و یا دوستش واگذار نکند؛ زیرا این سبب نفرت و بیزاری بچه نسبت به کسانی می‌شود که او را تنبیه کرده‌اند و نسبت به آنان حقد و حسد به دل می‌گیرد.

وقتی که بچه به نزدیکی سن بلوغ رسید و مربی دید که ده تا ضربه کافی نیست می‌تواند به تعداد آن‌ها بیافزاید تا او را از کارش باز دارد.[۱]

ب: پاداش و یا جایزه دادن به او: پاداش دادن و جایزه دادن هم از وسایل تربیت می‌باشد اما بادی به اندازۀ مناسب باشد و در بکار بردن آن اسراف و زیاده‌روی نکند؛ زیرا چنین کاری بچه را مادی صرف بار می‌آورد و دیگر کارهای نیک و خوب را انجام نمی‌دهد مگر به شرط اینکه جایزۀ به او داده

۱- تربیة الأولاد في الاسلام، ج ۲، عبدالله ناصح علوان.

شود. پس شایسته است که او را به انجام دادن کارهای خیر و خوب به خاطر خود آن کارها عادت دهد و گاه‌گاهی هم او را با چنین کاری تشویق کند.

۷- کنترل کردن بیش از حد بچه

مثلاً به بچه فرصت بازی کردن و تفریح و حرکت کردن داده نشود. این کار با طبیعت و عادت بچه سازگار نیست و با آن در تضاد است و اصلاً به صحت و تندرستی بچه ضرر می‌رساند؛ زیرا این‌گونه بازی‌ها برای رشد و نمو بچه مهم و بسیار خوب و مفید است و این‌گونه بازی‌ها در مکان وسیع و آزاد، از مهم‌ترین کارهایی است که به بچه کمک می‌کند تا جسمش رشد کند و سالم و تندرست باشد.[۱]

پس پدر باید بچه را در وقت بازی کردن منع نکند خصوصاً وقتی که به تفریح رفته‌اند و در کنار ساحل و یا صحرایی بازی می‌کنند؛ زیرا این‌گونه مواقع، وقت تفریح و بازی کردن و خوش‌گذرانی است و وقت انضباط منظم بودن نیست و هیچ فرصت دیگری نیست که بچه بتواند بدون قید و بند بازی کند مگر در چنین وقت‌ها و تفریح‌هایی. پس لازم است که از آن‌ها چشم‌پوشی کرد و خود را تا حدودی به غفلت زد[۲].

۸- بچه را بر عدم اعتماد به نفس و خود را حقیر شمردن پرورش دادن

متأسفانه بیشتر پدران مرتکب این کار می‌شوند. در حالی‌که اثر بسیار بدی بر آیندۀ بچه و زندگی او می‌گذارد؛ زیرا بچۀ که بر عدم اعتماد به نفس و خود را خوار و حقیر دانستن تربیت شود ترسو و ضعیف و سست و تنبل

۱- المؤثرات السلبية في تربية الطفل المسلم وطرق علاجها.

۲- مسؤولية الأب المسلم في تربية الولد في مرحلة الطفولة، عدنان حسن صالح.

بار می‌آید و قدرت مقابله با مشکلات زندگی و مبارزات را ندارد هر چند که به سنین بزرگ‌سالی برسد. پس لازم است که فرزندان را برای امور دین و دنیا آماده سازیم و آن‌ها را بر اعتماد به نفس تربیت کنیم تا در خود احساس عزت و سربلندی کنند نه غرور و تکبر و خودبینی و بکوشیم آنان را به امور و کارهای عالی عادت دهیم و آنان را از چیزهایی پست و ناچیز دور گردانیم.

به عنوان مثال به این داستان گوش فرادهیم:

در دوران هشام بن عبدالملک قحطی و خشک‌سالی بود. مردم و قبایل نزد هشام آمدند و به خدمت ایشان رسیدند. در میان این قبایل جوانی بود که ۱۴ سال سن داشت به اسم درواس بن حبیب.

مردم وقتی که نزدیک شدند از اینکه پیش هشام بروند خودداری کردند. در این میان هشام درواس را دید ولی به نظرش کوچک آمد. هشام به دربانش گفت: به همه مردم اجازه بده که وارد شوند حتی بچه‌ها! درواس دانست‌که منظورش اوست. گفت: یا امیرالمؤمنین! به من اجازه دادی که داخل شوم آن مردم هم آمده‌اند اما جرأت داخل شدن را ندارند و می‌ترسند، نشر کردن و گفتن است و سکوت پنهان کردن و پیچاندن چیزی است. و کلام شناخته نمی‌شود مگر با انتشار و پخش کردن آن، هشام به درواس گفت: پس بگو.

کلامش او را به تعجب آورد. گفت ای امیرالمؤمنین! سه سال است که ما دچار سختی و مصیبت شده‌ایم: سال اول پیه‌ها و چربی‌ها ذوب شد و از بین رفت، سال دوم گوشت خورده شد، سال سوم مغز استخوان نیز درآورده شد. و اموال اضافی هم در دست شماست، اگر مال خداست آن را بر بندگان خدا و مستحقان تقسیم کن و اگر مال بندگان خداست پس چرا آن را انبار و احتکار کردی و به آن‌ها نمی‌دهی؟

و اگر مال و ثروت خود شماست پس بر آن‌ها صدقه و بخشش کن. خداوند به صدقه دهندگان اجر و ثواب می‌دهد و اجر نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

بدان ای امیرالمؤمنین! والی در مقابل رعیت، مانند روح در مقابل جسد است، جسد بدون روح حیات ندارد.

هشام تعجب کرد و گفت: این پسرک! در این سه چیز، عذری برای ما نگذاشت، دستور داد که صدها هزار درهم را بر مردم و قومش تقسیم کند، و صدهزار درهم را هم به درواس بدهند و هدیه کنند. درواس گفت: یا امیرالمؤمنین! من بهره و نصیب خودم را به قوم و قبایل می‌بخشم؛ زیرا زشت می‌دانم آنچه شما بخشیدی به اندازۀ نیازش نباشد و احتیاجات‌شان را برطرف نکند.

هشام به او گفت: دیگر چه نیاز و حاجتی برای خودت داری؟ گفت: خودم به چیزی نیاز ندارم به جز نیازمندی‌های مسلمانان[۱].

به اعتماد به نفس این جوان و جرأتش بنگریم و درس عبرت بگیریم.

۱- تربية الأولاد في الاسلام، ج ۱، عبدالله ناصح علوان.

پایان

خداوند می‌فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ﴾ [غافر:۶۰].

«مرا بخوانید تا استجابت کنم و به فریادتان برسم».

باز هم می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ﴾ [البقرة:۱۸۶].

«هنگامی‌که بندگانم از تو دربارۀ من پرسیدند: همانا من نزدیکم جواب دعوت‌کننده را می‌دهم هر وقت مرا بخواند».

پیامبر ﷺ فرمود: «الدعاء هو العبادة»[1] «دعا کردن همان عبادت است».

پس دعا تأثیر زیادی در تربیت اولاد دارد. در تمامی کارهایی‌که انسان انجام می‌دهد باید دعا کند و از خداوند کمک بخواهد. چرا که توفیق دهند و هادی فقط خداست و بس.

انسان مسلمان تمام سعی و تلاش خود را برای اصلاح بچه‌اش بکار می‌برد اما موفق نمی‌شود و برعکس بسیاری از بچه‌ها هستند که در میان جامعه و خانواده منحرف و بد اصلاح می‌شوند و بعضی از فرزندان یتیم هستند و کسی را ندارند که آنان را تربیت کند اما اصلاح شده‌اند. پس هدایت و توفیق در اول و آخر به دست توانای خداست هم‌چنان که فرموده‌اند: ﴿إِنَّكَ لَا تَهۡدِي مَنۡ أَحۡبَبۡتَ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ﴾ [القصص:۵۶].

۱- به روایت ابوداود و ترمذی.

«تو نمی‌توانی هرکس را که دوست داشتی هدایت کنی. هدایت به دست خداست و هرکس را که خواست هدایت می‌کند».

پس بر همگی ما واجب است در این امر کوتاهی نکنیم و خداوند را به تضرع و زاری بخوانیم و بخواهیم که خودمان و اولادمان را اصلاح کند؛ زیرا او تنها هدایت‌کننده به راه راست است.

سبحان ربک ربّ العزةِ عمّا یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله ربّ العالمین